**در تولد تازه، چه روی می‌دهد؟ (بخش اول)**

یوحنا ۳:‏۱-‏۱۰

و شخصی از فریسیان، نیقودیموس نام، از رؤسای یهود بود. او در شب نزد عیسی آمده به وی گفت: «ای استاد! می‌دانیم که تو معلم هستی که از جانب خدا آمده‌ای، زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند معجزاتی را که تو می‌نمایی، بنماید؛ جز اینکه خدا با وی باشد.» عیسی در جواب او گفت: «آمین آمین به تو می‌گویم، اگر کسی از سرِ نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید.» نیقودیموس بدو گفت: «چگونه ممکن است که انسانی که پیر شده باشد، مولود گردد؟ آیا می‌شود که بار دیگر، داخل شکم مادر گشته، مولود شود؟» عیسی در جواب گفت: «آمین آمین به تو می‌گویم، اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود. آنچه از جسم مولود شد، جسم است؛ و آنچه از روح مولود گشت، روح است. عجب مدار که به تو گفتم باید شما از سرِ نو مولود گردید. باد، هرجا که می‌خواهد، می‌وزد؛ و صدای آن را می‌شنوی. لیکن نمی‌دانی از کجا می‌آید؛ و به کجا می‌رود. همچنین است هر که از روح، مولود گردد.» نیقودیموس در جواب وی گفت: «چگونه ممکن است که چنین شود؟» عیسی در جواب وی گفت: «آیا تو معلم اسراییل هستی و این را نمی‌دانی؟»

ما مجموعه پیغامهایی را دربارۀ تولد تازه آغاز کرده‌ایم. عیسی در انجیل یوحنا ۳:۳، به نیقودیموس فرمود: «آمین آمین به تو می‌گویم، اگر کسی از سرِ نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید.» او در این گفتار، روی سخنش با همۀ ما بود. نیقودیموس یک مورد خاص نبود. من و شما نیز باید از نو تولد یابیم، در غیر این صورت، ملکوت خدا را نخواهیم دید؛ و ملکوت خدا را ندیدن بدان معنی است که ما نجات نخواهیم یافت؛ و جزیی از خانوادۀ خدا نخواهیم بود و به آسمان نخواهیم رفت، بلکه راهی جهنم خواهیم شد.

نیقودیموس یکی از فریسیان بود؛ و فریسیان از مذهبی‌ترین سران یهود بودند. عیسی در انجیل متی ۲۳:‏۱۵ و ۳۳، به فریسیان چنین فرمود: «وای بر شما ای کاتبان و فریسیانِ ریاکار، زیرا که برّ و بحر را می‌گردید تا مریدی پیدا کنید؛ و چون پیدا شد، او را دو مرتبه پست‌تر از خود، پسر جهنم می‌سازید . . . ای ماران و ای افعی‌زادگان! چگونه از عذاب جهنم فرار خواهید کرد؟» پس این مجموعه موعظه‌ها، مطالبی حاشیه‌ای نیستند، بلکه مهم و اساسی‌اند. وقتی از تولد تازه سخن می‌گوییم، بحث ابدیت در میان است. «اگر کسی از سرِ نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید».

**تولد تازه، تکان دهنده است**

در اولین پیغام، بر دلایل موعظه نمودنِ این پیغامها، و پرسشهای مختلفی که مطرح می‌شود، تمرکز نمودیم. حال، پرسشِ امروز این است: در تولد تازه، چه روی می‌دهد؟ پیش از پاسخ به این پرسش، بگذارید به دغدغۀ اصلی‌ام در خصوص چگونگیِ گوش سپردن به این پیغامها اشاره کنم. من می‌دانم که این مجموعه پیغامها، برای بسیاری از شما تکان دهنده خواهد بود؛ همان‌گونه که سخنان عیسی نیز بارها و بارها برای ما تکان دهنده است، اگر که آنها را جدی بگیریم. برای این تکان دهنده بودن، دست‌کم سه دلیل وجود دارد:

**۱) زیرا وضعیتِ ما یأس‌آور است**

تعلیم عیسی دربارۀ تولد تازه، ما را با این واقعیت رو‌به‌رو می‌سازد، که بدون فیضِ احیا کنندۀ خدا، ما از نظر روحانی، و اخلاقی، و قانونی، در وضعیتی یأس‌آور به سر می‌بریم. پیش از اینکه تولد تازه یابیم، ما همه از نظر روحانی مرده‌ایم. ما از نظر اخلاقی، خودخواه و سرکشیم؛ و از نظر قانونی، در مقابل شریعت خدا، مقصریم و زیر غضبش قرار داریم. وقتی عیسی به ما می‌گوید که باید از نو تولد یابیم، یعنی به ما می‌گوید که در حال حاضر، در وضعیتی وخیم و يأس‌آور به سر می‌بریم؛ و بی‌حس و فاسد و گناهکاریم. اگر آن فیض حیرت‌انگیز در زندگی‌مان عمل نکند، ما دوست نداریم که این چیزها را دربارۀ خودمان بشنویم. پس این تکان دهنده است که عیسی به ما می‌گوید باید از نو تولد یابیم.

**۲) زیرا ما نمی‌توانیم باعث تولد تازه گردیم**

تعلیم دربارۀ تولد تازه، تکان دهنده است، زیرا به چیزی اشاره دارد که برایمان انجام می‌شود، نه چیزی که خودمان انجامش می‌دهیم. انجیل یوحنا ۱:‏۱۳، بر همین حقیقت تأکید می‌نماید؛ و فرزندان خدا را کسانی می‌داند که «نه از خون، و نه از خواهش جسد، و نه از خواهش مردم، بلکه از خدا تولد یافتند.» پطرس نیز بر همین تأکید می‌ورزد: «متبارک باد خدا، و پدرِ خداوندِ ما عیسی مسیح، که به حسب رحمت عظیم خود، ما را از نو تولید نمود» (اول پطرس ۱:‏۳). ما بانیِ تولد تازه نیستیم؛ خدا بانیِ تولد تازه است. هر کار نیکویی که انجام می‌دهیم، ثمرۀ تولد تازه است، نه دلیلِ تولد تازه. این بدان معناست که تولد تازه یافتن، از دست ما خارج است و در کنترلِ ما نیست؛ و همین واقعیت است که ما را با ناتوانی‌مان رو‌به‌رو نموده، و نشان می‌دهد که بی‌چون و چرا، به کسی خارج از خودمان وابسته هستیم.

این تکان دهنده است. به ما گفته می‌شود که اگر تولد تازه نیابیم، ملکوت خدا را نخواهیم دید؛ و به ما گفته می‌شود که خودمان نمی‌توانیم موجب تولد تازه گردیم. این تکان دهنده است.

**۳) زیرا ما را با آزادیِ مطلق خدا رو‌به‌رو می‌سازد**

و سومین دلیلی که تعلیم عیسی دربارۀ تولد تازه، تکان دهنده است، این است که ما را با آزادیِ مطلق خدا رو‌به‌رو می‌سازد. ما بدون خدا، از نظر روحانی، در خودخواهی و سرکشی مرده‌ایم. ما ذاتاً فرزندان غضبیم (افسسیان ۲:‏۳). طغیان و سرکشیِ ما آن‌قدر عمیق است، که قادر نیستیم به جلال مسیح در انجیل پی پرده، یا مشتاقِ آن باشیم (دوم قرنتیان ۴:۴). بنابراین، ما، آری، ما اگر قرار است از نو تولد یابیم، آن تولد تازه، در نهایت، و بی‌چون و چرا به خدا وابسته است. خدا به خاطر آنچه جسدِ روحانی ما انجام می‌دهد، تصمیم نمی‌گیرد که ما را زنده سازد، بلکه او ما را زنده می‌سازد؛ و آن‌گاه، ما به او پاسخ می‌دهیم. این حقیقت برای بیشتر مردم، دست‌کم در ابتدا، تکان دهنده است.

**امید من: استحکام بخشیدن و نجات یافتن، نه فقط تکان دادن**

بنابراین، وقتی به این پیغام می‌پردازم، بر این واقفم که تعلیم دربارۀ تولد تازه، تا چه اندازه می‌تواند تکان دهنده باشد؛ و آه که چقدر می‌خواهم محتاط باشم! من نمی‌خواهم باعث شوم که جانهای لطیف و حساس، بدون هیچ ضرورتی آشفته گردند. همچنان که نمی‌خواهم به آنانی که در زندگی روحانی‌شان، از نظر اخلاقی، یا مذهبی، سرگشته و حیرانند، امید کاذب بخشم. خواهش می‌کنم برایم دعا کنید. من احساس می‌کنم که گویی این روزها، جانهای ابدی را در دستانم گرفته‌ام؛ و در عین حال، می‌دانم که در خودم هیچ قدرتی ندارم که بدیشان حیات بخشم. اما خدا قادر است؛ و من بسیار امیدوارم که او آنچه را که در افسسیان ۲:‏۴-‏۵ می‌فرماید، به انجام رساند: «لیکن خدا که در رحمانیت، دولتمند است، از حیثیتِ محبتِ عظیمِ خود که با ما نمود، ما را نیز که در خطایا مرده بودیم، با مسیح زنده گردانید، زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید.» خدا دوست دارد در آن هنگام که مسیح در حقیقتی که اعلام می‌شود، تمجید می‌گردد، دولت فیضِ حیات‌بخشش را تعالی بخشد. این امید من است؛ اینکه مجموعه پیغامهای مورد نظر، فقط تکان دهنده نباشد، بلکه استحکام‌بخش و نجاتبخش باشد.

**در تولد تازه، چه روی می‌دهد؟**

حال، به آن پرسش بازگردیم: در تولد تازه، چه روی می‌دهد؟ سعی می‌کنم در سه جمله، این پرسش را پاسخ دهم. امروز به دو موردِ اول می‌پردازیم؛ و هفتۀ آینده (به امید خداوند)، به مورد سوم. ۱) آنچه در تولد تازه، روی می‌دهد، به دست آوردنِ مذهب تازه نیست، بلکه حیات تازه. ۲) آنچه در تولد تازه، روی می‌دهد، صرفاً این نیست که تأیید کنید که عیسی از اعلا آمده است، بلکه امری از اعلا را در خودتان نیز تجربه می‌کنید. ۳) آنچه در تولد تازه، روی می‌دهد، طبیعت گذشته‌تان را بهبود نمی‌بخشد، بلکه طبیعت تازه‌ای را در شما به وجود می‌آورد؛ طبیعتی که همچنان خودِ شما هستید؛ ولی طبیعتی که آمرزیده و پاک شده است. طبیعتی که واقعاً تازه است؛ و به دست روح خدا، که در شما ساکن می‌شود، شکل می‌گیرد. بیایید هر یک از این موارد را تک به تک بررسی نماییم.

**۱) حیات تازه، نه مذهب تازه**

آنچه در تولد تازه، روی می‌دهد، به دست آوردنِ مذهب تازه نیست، بلکه حیات تازه. سه آیۀ اول از انجیل یوحنا فصل ۳ را با هم بخوانیم: «و شخصی از فریسیان، نیقودیموس نام، از رؤسای یهود بود. او در شب نزد عیسی آمده به وی گفت: ای استاد! می‌دانیم که تو معلم هستی که از جانب خدا آمده‌ای، زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند معجزاتی را که تو می‌نمایی، بنماید؛ جز اینکه خدا با وی باشد. عیسی در جواب او گفت: آمین آمین به تو می‌گویم، اگر کسی از سرِ نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید».

یوحنا می‌خواهد مطمئن شود که ما بدانیم نیقودیموس، فریسی، و از سران یهود بوده است. فریسیان، سختکوش‌ترین گروه مذهبیان یهودی بودند؛ و حال، عیسی در آیۀ ۳، به یکی از آنها می‌فرماید: «آمین آمین به تو می‌گویم، اگر کسی از سرِ نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید.» و حتی در آیۀ ۷، شخصاً به او می‌فرماید: «باید از سرِ نو مولود گردی.» پس یکی از نکته‌های یوحنا این است: همۀ دین و مذهب نیقودیموس، همۀ مطالعات حیرت‌آورش در مقام یک فریسی، همۀ نظم و انضباط دادن به خویش، و همۀ شریعتی که نگاه می‌داشت، نمی‌توانستند جایگزینِ نیاز او به تولد تازه گردند. در واقع، همۀ آن اعمال، به خوبی نیاز به تولد تازه را بدیهی‌تر می‌ساختند.

آنچه نیقودیموس نیاز داشت؛ و آنچه من و شما نیاز داریم، مذهب نیست، بلکه حیات است. دلیل اینکه از «تولد تازه» نام برده می‌شود، این است که تولد، زندگیِ تازه‌ای را به دنیا می‌آورد. از یک نظر، البته که نیقودیموس زنده بود؛ نفس می‌کشید، فکر می‌کرد، احساسات داشت و عمل می‌کرد. او انسان بود؛ و به تصویر خدا آفریده شده بود. اما چنین پیداست که عیسی او را مرده می‌پنداشت. در نیقودیموس، حیات روحانی وجود نداشت. او از نظر روحانی، به دنیا نیامده بود. او به حیات احتیاج داشت، نه به فعالیتهای مذهبیِ بیشتر، یا غیرت مذهبیِ بیشتر، چرا که او به فراوانی از آنها برخوردار بود.

آیا به یاد می‌آورید که عیسی در انجیل لوقا ۹:‏۶۰، به آن مردی که می‌خواست پیروی از عیسی را به تأخیر اندازد، تا بتواند پدرش را دفن کند، چه فرمود؟ «بگذار مردگان، مردگان خود را دفن کنند.» این بدان معناست که افرادی هستند که از نظر جسمی، مرده‌اند و باید دفن گردند؛ و افرادی هستند که از نظر روحانی مرده‌اند؛ و می‌توانند آنها را دفن کنند. به بیان دیگر، عیسی مردم پیرامونش را به چشم کسانی می‌نگریست که به ظاهر حیات داشتند، اما در اصل، مرده بودند. در حکایت عیسی دربارۀ پسر اسرافکار، پدر می‌گوید: «این پسر من، مرده بود، زنده گردید» (لوقا ۱۵:‏۲۴).

نیقودیموس به مذهب احتیاج نداشت؛ او به حیات احتیاج داشت؛ حیات روحانی. در رویداد تولد تازه، حیاتی به وجود می‌آید که پیش از این وجود نداشته است. در تولد تازه، حیات تازه روی می‌دهد؛ و این فعالیتی مذهبی، یا انضباط دادن به خود، یا یک تصمیم نیست؛ بلکه به وجود آمدنِ حیات است. این اولین طریقی است که می‌توان رویداد تولد تازه را تشریح کرد.

**۲) اعلایی بودنش را تجربه کنیم، نه فقط آن را تأیید نماییم**

آنچه در تولد تازه، روی می‌دهد، این نیست که صرفاً تأیید کنیم که عیسی از اعلا آمده است، بلکه باید امری از اعلا را در خودتان نیز تجربه کنید. نیقودیموس در آیۀ ۲ می‌گوید: «ای استاد! می‌دانیم که تو معلم هستی که از جانب خدا آمده‌ای، زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند معجزاتی را که تو می‌نمایی، بنماید؛ جز اینکه خدا با وی باشد.» به بیان دیگر، نیقودیموس در عیسی چیزی را می‌بیند که واقعاً الهی است. او اعتراف می‌کند که عیسی از جانب خداست؛ و عیسی اعمال خدا را به‌جای می‌آورد. اما عیسی در پاسخ چنین نمی‌گوید: «کاش همه در فلسطین می‌توانستند به آن حقیقتی که تو دربارۀ من پی برده‌ای، پی برند.» بلکه می‌فرماید: «باید از سرِ نو مولود شوی، در غیر این صورت، ملکوت خدا را نمی‌توانی دید».

دیدن آیات و عجایب، و شگفت‌زده شدن از آنها، و اینکه تأیید کنیم که چون آن معجزه کننده، چنین عجایبی را به عمل آورده، از جانب خدا آمده است، کسی را نجات نمی‌بخشد. یکی از خطراتِ بزرگِ آیات و عجایب این است که شما برای حیرت کردن در آنها، به دلی تازه نیاز ندارید. طبیعت کهنه و سقوط کردۀ انسان، برای حیرت کردن از آیات و عجایب، بسنده است؛ و این طبیعت کهنه و سقوط کرده، مشکلی ندارد که بگوید معجزه کننده از جانب خدا آمده است. خودِ شیطان هم می‌داند که عیسی پسر خداست؛ و معجزه می‌کند (مرقس ۱:‏۲۴). خیر؛ اینکه نیقودیموس مرا معجزه‌گری ببیند که از جانب خدا آمده‌ام، کلید ملکوت خدا نیست. «آمین آمین به تو می‌گویم، اگر کسی از سرِ نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید».

به عبارت دیگر، موضوع این نیست که صرفاً تأیید کنید که عیسی از اعلا آمده است، بلکه باید امری از اعلا را در خودتان نیز تجربه کنید. تولد تازه، امری طبیعی نیست، بلکه ورای طبیعی، و از اعلاست؛ و نمی‌تواند با اموری که پیش از این در دنیا وجود داشته‌اند، توصیف گردد. آیۀ ۶، بر ورای طبیعی بودنِ ماهیت تولد تازه تأکید می‌نماید: «آنچه از جسم مولود شد، جسم است؛ و آنچه از روح مولود گشت، روح است.» جسم، وجودِ طبیعیِ ماست؛ و روح خدا، آن شخصیت ورای طبیعی و از اعلاست، که تولد تازه به بار می‌آورد. عیسی دوباره در آیۀ ۸ می‌فرماید: «باد، هرجا که می‌خواهد، می‌وزد؛ و صدای آن را می‌شنوی. لیکن نمی‌دانی از کجا می‌آید؛ و به کجا می‌رود. همچنین است هر که از روح، مولود گردد.» روح‌القدس، جزیی از این دنیای طبیعی نیست. او فرای طبیعت است. او از اعلاست. در واقع، او خداست. او دلیلِ مستقیمِ تولد تازه است.

پس عیسی می‌فرماید که ای نیقودیموس، آنچه در تولد تازه، روی می‌دهد، صرفاً این نیست که تأیید کنی من از اعلا هستم، بلکه باید امری از اعلا را در خودت نیز تجربه کنی. باید از نو مولود شوی، نه به شکلی نمادین، ولی طبیعی؛ بلکه به شکلی ورای طبیعی. خدای روح‌القدس باید بر تو آید؛ و حیات تازه خلق کند.

جلسۀ آینده، به آیۀ ۵ پرداخته، و این را بررسی می‌نماییم که واژگان «آب» و «روح» به چه اشاره دارند؟ و اینکه چگونه ما را یاری می‌رسانند که رویداد تولد تازه را درک نماییم: «آمین آمین به تو می‌گویم، اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود».

**عیسی حیات است**

ولی امروز می‌خواهم پیغامم را با این مطلب به پایان رسانم که به ارتباطی مهم و حیاتی میان تولد تازه به واسطۀ روح‌القدس، و حیات ابدی به واسطۀ ایمان به عیسی اشاره کنم. آنچه تاکنون بررسی نمودیم، این بوده که رویداد تولد تازه، کار روح‌القدس از اعلاست، که حیاتی را از نظر روحانی به وجود می‌آورد که پیش از این وجود نداشته است. عیسی دوباره در یوحنا ۶:‏۶۳ می‌فرماید: «روح است که زنده می‌کند؛ و اما از جسد، فایده‌ای نیست».

ولی انجیل یوحنا، نکتۀ دیگری را نیز روشن می‌سازد: عیسی آن حیاتی است که روح‌القدس می‌بخشد؛ یا به عبارتی می‌توانیم بگوییم: آن حیات روحانی که روح‌القدس عطا می‌کند، فقط در رابطه داشتن با عیسی عطا می‌کند. در پیوند با عیسی است که ما آن حیات روحانی، آن حیاتی را که از اعلاست، تجربه می‌کنیم. عیسی در یوحنا ۱۴:‏۶ می‌فرماید: «من راه و راستی و حیات هستم. هیچ‌کس نزد پدر، جز به وسیلۀ من نمی‌آید.» و در یوحنا ۶:‏۳۵ می‌فرماید: «من نان حیات هستم.» و در ۲۰:‏۳۱، یوحنا می‌گوید: «این‌قدر نوشته شد، تا ایمان آورید که عیسی، مسیح، و پسر خداست؛ و تا ایمان آورده، به اسم او حیات یابید».

**جدا از عیسی، حیاتی وجود ندارد**

بنابراین، بدونِ وصل شدن به عیسی، و ایمان به عیسی، حیات روحانی؛ یعنی حیات ابدی وجود ندارد. در خصوص رابطه میان تولد تازه، و ایمان به عیسی، حرفهای بسیاری داریم، اما فعلاً بگذارید این‌طور بگوییم: در تولد تازه، روح‌القدس در اتحادی زنده، ما را به مسیح پیوند می‌زند. مسیح، حیات است. مسیح، تاکی است که زندگی در آن جریان دارد؛ و ما شاخه‌های آن تاک هستیم (یوحنا ۱۵:‏۱ به بعد). در رویداد تولد تازه، حیات روحانیِ تازه‌ای خلق می‌شود که از اعلاست؛ و این خلقت، از طریق اتحاد با عیسی مسیح صورت می‌گیرد. روح‌القدس، ما را به مسیح وصل می‌کند؛ ارتباطی مهم و حیاتی با او که راه و راستی و حیات است. این واقعیت مشهودی است که در تولد تازه، روی می‌دهد.

و آن بخشی که به ما مربوط می‌شود؛ یعنی شکلی که ما آن را تجربه می‌کنیم، این است که در دلمان، ایمان به عیسی بیدار می‌شود. حیات روحانی، و ایمان به عیسی، با هم به وجود می‌آیند. حیات تازه، آن ایمان را ممکن می‌سازد؛ و از آنجا که حیات روحانی، همواره ایمان را بیدار کرده، و خود را در ایمان، نمایان می‌سازد، پس بدون ایمان به عیسی، حیاتی وجود ندارد. از این‌رو، هیچ‌گاه نباید تولد تازه را از ایمان به عیسی جدا دانست. آنچه خدا به انجام می‌رساند، این است که در تولد تازه، ما را به مسیح پیوند می‌دهد؛ و این کاری است که روح‌القدس به عمل می‌آورد. آنچه از جانب ما صورت می‌گیرد نیز این است که با ایمان به عیسی، این پیوند و اتحاد را تجربه می‌کنیم.

**تولد تازه، و ایمان به عیسی را هرگز از هم جدا نبینید**

توجه کنید که چگونه یوحنا در رسالۀ اول یوحنا ۵:‏۴، این دو را کنار هم می‌گذارد: «آنچه از خدا مولود شده است، بر دنیا غلبه می‌یابد؛ و غلبه‌ای که دنیا را مغلوب ساخته است، ایمان ماست.» تولد از خدا، کلید پیروزی است؛ و ایمان نیز کلید پیروزی است. زیرا به وسیلۀ ایمان است که تولد تازه از خدا را تجربه می‌کنیم.

به آنچه یوحنا در اول یوحنا ۵:‏۱۱-‏۱۲ می‌گوید، توجه کنید: «آن شهادت این است که خدا حیات جاودانی به ما داده است؛ و این حیات، در پسر اوست. آن که پسر را دارد، حیات را دارد؛ و آن که پسر خدا را ندارد، حیات را نیافته است.» بنابراین، وقتی عیسی می‌فرماید: «روح است که زنده می‌کند؛ و اما از جسد، فایده‌ای نیست.» (یوحنا ۶:‏۶۳)؛ و وقتی می‌فرماید: «باید از روح مولود گردید»، تا حیات داشته باشید، منظورش این است: در تولد تازه، روح‌القدس با پیوند دادنمان به عیسی مسیح از طریق ایمان، ما را از اعلا حیات تازۀ روحانی می‌بخشد، زیرا که عیسی خودْ حیات است.

پس هرگز این دو گفتۀ عیسی در انجیل یوحنا فصل ۳ را از هم جدا نبینید: «اگر کسی از سرِ نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید» (آیۀ ۳)؛ و «آن که به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد» (آیۀ ۳۶).